

واکاوی شکل گیری و تأثیرات فرهنگی فراماسونری در ایران

خدیجه لویمی^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح دو (کارشناسی) رشته فقه و اصول، از مدرسه علمیه حضرت فاطمه الزهرا(س)، کوی علوی اهواز، فعال فرهنگی و پژوهشگر

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه

چکیده

تاریخ گواهی می دهد که درست در همان روزگارانی که دانش و کارشناسی و نوآوری غرب روندی نو یافت و با شتاب چشمگیر رو به گسترش نهاد؛ پدیده دیگری در سراسر جهان با همان شتاب خودنمایی کرد که استعمار غرب نام گرفت. سوال مطرح شده در این نوشتار بررسی علل هم سویی و ارتباط تنگاتنگ سازمان سری و مرموز فراماسونری با اندیشه بورژوازی غرب (استعمار غرب) که با گذر زمان همواره در قالبی نو و ساختار نظری خاص، خود را مطرح می کند، چه بوده؟ که در رهگذر این پیوستگی نیز شعارهای زیبا و سودمندی برای همه انسانها سر می دهد و مردم زیر سلطه و ستم کشیده جهان را به همنوایی با شعار خویش می خواند. این نوشته با دیدگاهی توصیفی-تحلیلی و با روش تحقیقی کتابخانه ای و استفاده از کتب و مقالات به شناختی مختصری از سازمان فراماسونری و ارتباط آن با یهودیت و استعمار و نیز چگونگی ورود آن به ایران عهد قاجار می پردازد. نتایج نشان داد پدیده فراماسونری حاصل جهان غرب است. در نتیجه وقوع انقلاب اسلامی باعث تعطیل شدن لژهای (شناخته شده) فراماسونری در ایران شد اما تفکر فراماسونری در قالب های لیبرالیسم، پلورالیسم، نسبی گرایی و... ترویج شد و هنوز هم به قوت هر چه تمامتر ترویج می شود.

واژه های کلیدی: استعمار، بورژوازی، فرهنگ، فراماسونری، یهودیت

مقدمه

واژه فراماسونری فرانسوی و فریمیسن انگلیسی از دو واژه برابر با به معنی آزاد و برابر با به معنی بنا ساخته شده و با ترکیب این دو کلمه اصطلاح بنای آزاد به دست می-آید. اصطلاح فراماسونری معمولاً به سازمانی می-گویند که در قرن هیجدهم در انگلستان پا گرفت و در اکثر کشورها ریشه دواند.^۱ اما داستان برمی-گردد به قرون وسطی که یهودیان آواره و بی-وطن در اورپا که شغل بنای داشتند به نیت اتحاد و کمک به یکدیگر و به عبارتی دیگر برای در انحصار داشتن این شغل با هم گروه-هایی را تشکیل دادند. لذا این بنایان شاگردانی از بین خود انتخاب می-کردند و در محل مخصوص که بعداً لژ معروف شد آموزش می دادند و برای اینکه به دیگران درز نکند سعی در مخفی نگهداشتن این فنون می-کردند و برای شناسایی هم از رمز و اشاره-هایی استفاده می-کردند. ضرورت بیان این تحقیق فراماسون ها همیشه در همه جای جهان در پی مردم متوسط اندک همت کوتاه نظر ظاهر پرست گشته اند و اساس کار فراماسون ها، همواره در هر زمانی و در هر کشوری، بهره جویی و بهره یابی از مردم زیون ناتوان سست پای سست دل سست رای بوده است.^۲ هدف از این پژوهش اندیشه فراماسونری بر سر ایرانیان آورده است، اثراتی مهلک و ویرانگر داشته است و می توان آن را موجب انحطاط و عقب ماندگی ملت ایران به شمار آورد. «باور کنید، از آن روزی که عنوان فراماسون در این مملکت پیدا شد و محفل سرّی آن ها به اشاره لندن در این سرزمین تشکیل گردید، از همان روز، بدبختی و سیه روزی ملت ایران، شروع شده است.»

تاریخچه فراماسونری

تاریخچه آگاهی های موجود پیرامون چینی نهادی که تکاپویشان همراه با علامت و اشاره و به شیوه های پنهان چهره بسته و می-بندند، به هیچ وجه نمی-تواند برای یک پژوهش استوار بر پایه عین گرایی و دانش و پژوهش بسنده باشد. آنچه پیرامون فراماسونری موجود می-باشد نیز آگاهی های همه سویه و تهی از کاستی به دست نمی دهد. برخی از آن نوشته ها توسط خود فراماسونرها به رشته تحریر درآمده است که اینگونه نویسندگان ها کوشیده اند که به سود سازمان خود دفاع نموده و آن را بر بنیاد برترین آرمانهای بشردوستانه بشناسانند و از هرگونه کاستی و نارسایی بدورش بداند و کسانی که به جرگه فراماسنری تمایل و رغبت ندارند گمراه و واپسگرا، نادان و دور از منطق می-دانند. دسته دیگر از منابع از نویسندگانی می-باشد که اطلاع دقیقی از این سازمان ندارند.^۳

کسانی که تاکنون در باره فراماسونری تحقیق کرده اند نتوانستند که تاریخ بنیانگذاری آن را به درستی بیان کنند، زیرا نخستین اسناد فراماسونری از بین رفته و این ابهام از دو جهت می-باشد؛ یکی اینکه این دستگاه از همان آغاز با راز و رمز همراه بوده و دیگر اینکه خواسته اند در مورد آن چیزی بنویسند دستی دستی به ابهام آن افزوده اند و به این جهت است که عده ای تاریخچه آن را به زمان حضرت آدم می-رسانند و پیامبران از جمله داود و دیگر شخصیت های تاریخی مانند بخت نصر و غیره را مرتبط با فراماسونری و حتی رهبر و بانی آن تلقی می-کنند. آنچه مسلم است در سده های میانه سگتراشانی و بنایانی بودند که شهر به شهر می-گشتند و در هر کجا به آنها نیازی بود کار می-کردند و در میان خودشان نشانه ها و

^۱ . کتیرایی، ص ۲۰.

^۲ صادق نیا، ابراهیم، نگاهی به خیانت های فراماسون ها در تاریخ ایران، ص ۴۵۲

علامت-های داشتند که با آنها هم دیگر را می-شناختند و در ارتباط بودند. با توجه به اسناد دیگر این فرقه در سده ۱۴ میلادی شکل گرفت و در سده های ۱۵ و ۱۶ انجمن های برپا کردند و آنچه قابل قبول-تر است که تاریخ بنیانگذاری فراماسونری به مفهوم نوین آن را باید در آغاز سده هیجدهم دانست. مورخان انگلیسی مادر لژهای دنیا را لژ انگلستان می-دانند که در سال ۱۷۱۷ میلادی در لندن گشایش یافت و هر لژی می-خواهد مشروعیت بیابد باید لژ انگلستان تایید می-کرد. به هر حال این لژ انگلیسی با لژ اسکاتلند و ایرلند ارتباط برقرار کرد و در سال ۱۷۲۵ میلادی اولین لژ بزرگ پدید آمد که آیین مشترکی داشت. این فرقه با توجه به مبانی عقیدتی که داشت ارتباطی نزدیک با اندیشه های ماتریالیسم و مارکسیسم و کومونیسم برقرار کرد.^۳

در ایران نیز در باره پیشینه فراماسونری نیز دو عقیده وجود داشت که یکی همان مطلبی که قبلاً گفته شد آغاز آن را از زمان حضرت آدم می-دانند و ادیب-الممالک فراهانی در قصیده-ای که در عهد مشروطه سروده حضرت آدم را اولین فراماسون می-داند و همچنین اشاره دارد که در زمان حضرت سلیمان گسترش پیدا کرد و حتی امامان شیعه را هم عضو این فرقه معرفی می-کند که تعبیری چندان عقلای نیست. اما در دیدگاهی دیگر ریشه فراماسونری را در انجمن های صنفی و صنف بنیان جستجو می-کنند. اما واقعیت امر این است که تا سال ۱۷۱۷ میلادی هیچ لژی وجود نداشت. در سال ۱۷۱۴ میلادی خاندان هانور در انگلستان قدرت را در دست گرفتند که عمده‌تاً مورد حمایت یهودیان بودند. از سیاست این خانواده و جمعیت آنها تساهل و تسامح بود و از بزرگان این خاندان دو کشیش پروتستانی در راس بودند که با یهودیان در ارتباط بودند. نکته جالب این است که همزمان با ارتباط این خاندان با یهودیان، اولین لژ فراماسونری که به عنوان لژ مادر در سال ۱۷۱۷ میلادی مطرح استف ایجاد شد. علاوه بر خاندان هانور سه فرقه دیگر در تشکیل این لژ دخالت داشتند ۱- کابل-یستها که در امور سحر و جادو دست داشتند که هم در میان یهودیان بودند هم در میان مسیحیان ۲- فرقه یسوعیان که آنها نیز در امور جادو و سحر تبحر داشتند ۳- روزن-کروتزها یا فرقه گل سرخ که فعالیت آنها دفاع از زایران بیت-المقدس بود و از ادغام خاندان هانور با این فرقه ها بود که جمعیت فراماسونری ایجاد شد. رفته رفته این فرقه به داخل فرانسه نفوذ کردند و با شعار خود که آزادی، برابری و برادری می-باشد انقلاب فرانسه را به راه انداختند. پس در قرن ۱۹ میلادی این فرقه به یک جمعیت مرموز پر شاخ و برگ و جهان شمول تبدیل شد که همه در خدمت لژ مادر بوده و هستند و هم اکنون نیز لژهای در سرتاسر اروپا و امریکا در حال فعالیت می-باشند.^۴

بنابراین بعد از مدتی فعالیت لژ مادر همکاری اعضاء و گروه-های تشکیل دهنده آن این جریان را به سوی قدرت اقتصادی سیاسی و نظامی پیش برد. در این جریان به خوبی پیوند مسیحیت با یهود آشکار است و بنا به گفته-ای جریان مسیحیت صهیونیستی از این جریان شکل می-گیرد. با توجه به فعالیت های مخفی و مرموز این فرقه به آسانی نمی-توان به اهداف تشکیل آن پی برد اما شعار بسیار جذاب آنها برادری، برابری و آزادی می-باشد. در باره آزادی فقط مطرح می-کنند که این تشکیلات برای آزادی بشر آمده، حالا آزادی از چی؟ نمیگویند. اما بیشتر به آزادی سیاسی و امثال این مرتبط می-کنند. اما در حقیقت

^۳ کتیرایی محمد، فراماسونی در ایران (از آغاز تا تشکیل لژ بیداری)، ص ۲۵۴

^۴ حقانی، موسی (اولین نشست آموزشی جمعیت دفاع از ملت فلسطین) ص ۱۲۲

وقتی این شعار در اورپا مطرح شد منظور این بود که طبقه بورژوا آزاد بشوند. درباره برادری هم منظور این است که همه در این تشکیلات با هم برادرند؛ یعنی پادشاهی هم در این تشکیلات وارد شود با بقیه فرق ندارد و در یک جایگاه است.^۵

فراماسونری و یهودیت

با توجه به اینکه در مورد ماسونی و هم در مورد یهودیت با کمبود منابع مواجه هستیم نمی-توان به صورتی شایسته ارتباط بین این دو را بیان کرد ولی در همین منابع کم هم می-توان به همسانی تفکرات و اداب آنها پی برد. در حالی که در تورات تحریف شده برای قتل و عام، کشتار و ایجاد رعب و وحشت ندر بین ملل حاکم و فرامینی خطاب به قوم یهود صادر شده، دستورالعمل های بخصوصی هم درباره اعمال سری وجود دارد که در صورت اجرای آنها ضمن نابودی ملل، کسی هم متوجه مجری نقشه نخواهد شد و نام یهود پشت پرده مانده، قضیه فاش نمی-شود. فراماسونری-ها در ارتباط نزدیکی با صهیونیسم هستند که فقط با دستیابی به منابع سری آن روشن می-شود. این فرقه عیناً بر مبنای تلقینات تورات شکل گرفته و در حقیقت یکی از شاخه-های مخفی و سری-گری یهودی-گری می-باشد. ماسون-ها سعی بر این دارند که ارتباط نزدیکشان را با یهودیان مخفی نگهدارند. چرا که از دیدگاه خودشان به جای عرضه آشکار و اهداف موازی با اهداف و آرمان صهیونیسم فعالیت سری و پشت پرده در قالب افراد خیر و ایجاد موسسات کمک رسانی و نظیر آن، نتایج پربارتری دارد. و با توجه به ارتباط نزدیک با یهودیت، نحوه انجام مراسمات و تشریفات، اصول و آداب و افکار ماسونی از تورات تحریف شده سرچشمه گرفته است.^۶

اکنون به مثالها و تشابهات که مابین این دو می-باشد اشاره می-کنیم: در یک نشریه ماسونی از استاد حیرام سازنده معبد مقدس یهودیان به عنوان پدر ماسون-ها یاد کرده و او را با عنوان پسر بیوه زن خوانده شده عنوانی که مختص به ماسون-ها می-باشد. ماسون-ها با اراضی موعود و مقدس یهودیان در ارتباط هستند به دو دلیل ۱- به خاطر شروع تاریخ افسانه-ای آنها در اراضی مذکور ۲- به خاطر وقوع معبد سلیمان در این اراضی و احداث آن توسط حیرام که تا درجه پدری در نظر ماسون-ها بزرگ جلوه داده شده است. ماسون-ها برای مخفی بودن اهداف و فعالیت-هایشان از الفبای رمزی استفاده کرده-اند که شامل سیستم مختلفی از قبیل فرانسوی، سیستم انگلیسی و غیره است. ریشه الفبای فراماسونی که از گونیا به وجود آمده متکی به الفبای عبری است. همان طور که در تورات آمده تاریخ و تقویم ماسون ها تا آغاز بشر هم کشیده شده. برابر با تقویم ماسون-ها ماه مارس اولین ماه سال و فوریه آخرین ماه سال است که مارس با فروردین ماه و فوریه با اسفند ماه خورشیدی برابری می-کند. اما نمونه-های دیگر از شباهتها کلاه شاپوی ماسونی-ها که در موقعیت تشکیلاتی جایگاه خاصی دارد که از کلاه خاخام-های یهودی الهام گرفته است و بسیاری دیگر از این همسانی ها. در ادامه لازم به ذکر است که مثلث و چشم داخل آن یکی از سمبلهای ماسونی- می-باشد که از تورات سرچشمه گرفته است. گونیا و پرگار که از جمله سمبلهای ماسونی هستند و ستاره که از علائم شرکتهای تجاری و نیز در بسیاری از موارد از جمله پرچم کشورها مورد استفاده است نشانی از ماسونی و یهودیت می-باشد. همچنین کبوتر که فقط سمبل احزاب سیاسی سوسیال دموکرات و سمبل صلح نیستند بلکه از مظاهر رایج

^۵ حقانی، موسی در اولین نشست آموزشی جمعیت دفاع از ملت فلسطین، ص ۴۵

^۶ سعیدی، جعفر مبنای فراماسونری، تهران.

یهود بوده و نیز تاج که در میان سیمبلهای ماسونی بسیار مهم است منبع توراتی دارد. اعداد ۷ و ۱۲ هم برای یهود و هم برای ماسون-ها جنبه سیمبلیک دارد. بنابراین قضاوت با خواننده می-باشد که آیا با این همه شباهت می-توان در ارتباط فراماسونری با یهودیت شک کرد؟

فراماسونری در ایران

در ایران بجای فراماسونری، اصطلاح مجمع فراموشان، خانه فراموشان، فراموشخانه، مجمع فرامیسان، خانه فرامیسان، فرامیسن، فرامیسین را به کار می-بردند. از همان آغازین روزگاری که مساله فراماسونری همراه برخی از واژه-ها آن در برخی از نوشته های فارسی خودنمایی کرد، فراموشی نیز به همان معنی به کار رفت و علت به کار بردن این واژه فراموشی را برای اولین بار عبداللطیف شوشتری در سال ۱۲۱۶ هجری/ ۱۸۰۱ میلادی چنینی نوشت: هندیان و فارسی زبانان هند آن جماعت را فراموشی گویند و می افزاید که این نام خالی از مناسبت نیست، چه هرچه از آنها می-پرسند در جواب گویند، به یاد نیست.

زمینه ها و چگونگی نفوذ فراماسونری در ایران

با ذکر مقدمه فوق به بررسی زمینهها و چگونگی نفوذ فراماسونری در ایران میپردازیم. نفوذ فراماسونری در ایران ارتباط تنگاتنگی با روابط ایران با کشورهای اروپایی دارد و اساساً پدیده فراماسونری از طریق آن کشورها وارد ایران شد و با حمایتهای آنها رشد و نمو یافت. تاریخچه روابط ایران با کشورهای غربی به دوران حکومت آق‌قویونلوها بر ایران، که مصادف با فتح قسطنطنیه به دست امپراتوری عثمانی بود، بازمیگردد. در این دوره تخاصمات دول اروپایی و دولت عثمانی به اوج خود رسیده و راه دریایی تنگه سوئز با فتح قسطنطنیه بر روی اروپاییان بسته شده بود. لذا دول اروپایی به فکر ایجاد رابطه با دولت آق‌قویونلو افتادند تا به وسیله آنها جبهه دیگری را در پشت نیروهای عثمانی و در برابر آنها بکشایند. این ارتباط چندان استوار نشد. بعدها، در دوره صفویه، تلاش دیگری را دول اروپایی خصوصاً انگلیسیها با هدف برقراری اتحاد با ایران بر ضد دولت عثمانی و برقراری روابط بازرگانی به عمل آوردند که جزئیات این ارتباطات و رقابتهای کشورهای اروپایی در دوره صفویه، افشاریه و زندیه در ایران و خلیج فارس در کتب مربوط به روابط خارجی ایران ذکر شده و از بازگویی آنها در اینجا خودداری میکنیم. دورههای که باموضوع بحث ما ارتباط تنگاتنگی دارد اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی است که سالهای اوجگیری رقابتهای استعماری روس، انگلیس و فرانسه بر سر کشورهای خاوری و اسلامی بود. در این سالها اهداف توسعه طلبانه روسیه تزاری از یک سو ایران را صحنه تاخت و تاز قوای تزار ساخته بود، و از سوی دیگر نقش حیاتی ایران و افغانستان در صیانت از هندوستان، مستعمره زرخیز انگلستان، ایران را مورد توجه این استعمارگر پر قدرت قرار داده بود. رقابت فرانسه با انگلستان و تمایل آن کشور به ضربه زدن بر منافع انگلستان در هندوستان نیز ارتباط با ایران را به عنوان بهترین راه وصول به هندوستان در نزد آنان دارای اهمیت خاصی کرده بود. سیاست خارجی و داخلی ایران تا پایان جنگهای اول ایران و روس تحت تأثیر سیاستهای این قدرتها، پس از آن، تحت تأثیر سیاستهای روس و انگلیس قرار داشت. آغاز جنگهای ایران و روس در دوره

^۷ سعیدی، جعفر، مبانی فراماسونری، تهران.

سلطنت فتحعلی شاه و ناتوانی ایران در جلوگیری از تجاوزات روسیه، ایران را، که از کمک انگلستان ناامید شده بود، متوجه فرانسه نمود.^۸

تماس با فرانسه از ۱۲۱۹ ق آغاز و در ۱۲۲۲ ق منجر به عقد عهدنامه فینکشتاین بین دو کشور شد. در پی این قرارداد هیئتی به سرپرستی ژنرال گاردان به ایران آمد تا ارتش ایران را برای مقابله با تجاوزات روسیه آماده سازد. با آمدن گاردان به ایران فتحعلیشاه عسگرخان افشار ارومی را در ۱۲۲۴ ق با سمت سفارت به پاریس فرستاد. عسگر خان، که به منظور جلب حمایت‌های بیشتر ناپلئون به فرانسه عزیمت نموده بود، در آنجا توسط جاسوسان و لژهای انگلیسی شکار شد و به عضویت لژ انجمن پاریس درآمد. وی بدون انجام کار مفیدی برای سیاست خارجی ایران با مأموریت تشکیل لژ فراماسونری در اصفهان به ایران بازگشت. شکست مأموریت عسگرخان موجب رو آوردن مجدد ایران به انگلستان شد؛ انگلیسیها که مترصد موقعیت بودند، ابتدا سرجان ملکم و پس از او سرهارفورد جونز را به ایران فرستادند. سفر جونز منجر به عقد عهدنامه مجمل در ۱۲۲۴ ق بین دو کشور ایران و انگلیس شد.

بعد از این قرارداد، میرزا ابوالحسن ایلچی به عنوان سفیر ایران عازم انگلستان شد.

وی نیز در ۱۵ ژوئن ۱۸۱۰ به راهنمایی سرگوراولی، سفیر آینده انگلستان در ایران که مهمانداری ایلچی را به عهده داشت، به عضویت فراماسونری درآمد. این دو اولین مقامات رسمی و دولتی ایرانی بودند که به فراماسونری پیوستند. در همین سال ایلچی به همراه سرگوراولی، که از جانب جُرج سوم پادشاه انگلستان به سمت سفیر کبیری در ایران تعیین شده بود، به ایران می‌آیند. اوزلی علاوه بر فرمان سفیر کبیری، فرمانی از رئیس لژ فراماسونری انگلستان جهت تأسیس لژ در ایران در دست داشت. لازم به ذکر است که وی قبل از عزیمت به ایران به ریاست منطقهای فراماسونری در ایران نایل شده بود. انتصاب سرگوراولی، را میتوان، با توجه به مأموریت‌های ویژه وی، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ روابط ایران و انگلستان، و تاریخ تکاپوی فراماسونری در ایران و، به عبارتی، نقطه عطفی در تاریخ تهاجم فرهنگی غرب به ایران محسوب نمود. دقت در فقرات فرمان ۲۰ مادهای جرج سوم به اوزلی، که در واقع حکم مأموریت وی محسوب میشود، این موضوع را روشن مینماید. اوزلی غیر از مأموریت‌های سیاسی و امنیتی مشتمل بر جاسوسی، انعقاد پیمان با شاه ایران، کوتاه کردن دست روس و فرانسه از ایران و اخلاف در روابط ایران با دول اروپایی است.^۹

با این توضیحات روشن شد که اوزلی با مأموریت ویژه ایجاد لژ فراماسونری و شناسایی ویژگیهای فرهنگی ایران به این کشور آمد و هسته‌های اولیه فراماسونری را در ایران پایه‌گذاری کرد. منابع ماسونی اطلاع دقیقی از تأسیس لژ توسط اوزلی به دست نمیدهند، اما بعدها اولین لژ فراماسونری را ملکم خان ناظم الدوله در ۱۲۷۶ یا ۱۲۷۷ تأسیس کرد. این لژ دو سال بعد در

^۸ فرشته نورایی. بررسی اندیشه‌های میرزا ملکمخان ناظم‌الدوله. تهران ص ۱۲

^۹ فریدون آدمیت. اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار. تهران ص ۲۳

^{۱۰} اسماعیل رائین. فراموشخانه و فراماسونری در ایران. تهران، مؤسسه تحقیقاتی رائین. ۱۳۴۷، ج ۲.

۱۲۷۸ به فرمان ناصرالدین شاه تعطیل می‌گردد. در ۱۳۱۳ «جامع آدمیت» را عباسقلی خان آدمیت پایه‌گذاری کرد که در جریان انقلاب مشروطه فعال بود. این تشکیلات مبتنی بر اندیشه‌های ملکم خان بود و از آراء وی پیروی میکرد.^{۱۱}

با تضعیف این جمعیت، بر اثر اختلافات داخلی، زمینه برای جدایی عده‌ای از اعضای آن فراهم شد، و این عده در ۱۳۲۵ با مشارکت چند فرانسوی، لژ بیداری ایران را تشکیل دادند. مجمع آدمیت نیز از جمله سازمانهای شبه ماسونی بود که بعد از انحلال فراموشخانه ملکم تأسیس شد. همچنین باید از انجمن اخوت که در ۱۳۱۶ ق تشکیل شد و در پوشش خانقاه به فعالیت فراماسونری مبادرت نمود نام برد. تعداد لژهای ماسونی باگذشت زمان رو به فزونی گذاشت؛ به نحوی که در اواخر دوره پهلوی بیش از پنجاه لژ تشکیل شد که ذکر اسامی آنها موجب طولانی شدن مطلب می‌گردد. این تعداد لژ با بیش از دو هزار عضو که تمامی آنها جزء افراد متنفذ و سرشناس در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بودند به تخریب مبانی فرهنگی و وابسته ساختن کشور از این راه به کشورهای قدرتمند مشغول بودند. این اقدام در دو مرحله صورت می‌گرفت: نخست، تخریب مبانی اعتقادی و فرهنگی نخبگان جامعه به عنوان عوامل طرح نفوذ فرهنگی. دوم، تخریب فرهنگ کل جامعه به وسیله این نخبگان که بر تمامی شاهرگهای حیاتی جامعه تسلط داشتند.^{۱۲}

آشنایی ایرانیان با فراماسونری

با توجه به اینکه در سال ۱۷۳۵ میلادی، اولین فراماسونری را در کلکته نهاده شد و این جریان در هند گسترش پیدا کرد؛ پاره‌ای از ایرانیان به هندوستان می‌رفتند و به این لژ راه یافته و در بازگشت به ایران بیشتر در فارس و اصفهان زمینه پخش و پراکندن اندیشه‌های ماسونی را فراهم می‌کردند. این افراد دو طیف بودند عده‌ای بازرگان بودند و عده‌ای ملا و آخوند که به قول خودشان تبلیغ دین می‌کردند که این دو قشر به هند رفته بودند و در بازگشت منادی فراماسونری شدند. گروه دیگری از ایرانیان و بیشتر از مردم آذربایجان برای بازرگانی به خاک عثمانی و مصر رفته و در آنجا با فراماسونری فرانسوی آشنا شده و در بازگشت آوازگر فراماسونری شدند. در سرزمین روس نیز کسانی بودند چون میرزا فتحعلی آخونداف که از ایرانیان بیدار دل، با دانش و بینش و از پیشوایان اندیشه آزادی زمان خود بود و با نادیشه فراماسونری آشنا شده و برپا کردن انجمن‌های ماسونی را چاره ایران می‌دانست و همچنین بیشتر افرادی که در دوران پادشاهی فتحعلیشاه به اروپا به فرانسه رفتند با اندیشه فراماسونری آشنا شده و وارد این فرقه شدند و از جمله اولین ایرانیان فراماسونری عسکرخان افشار اوری، میرزا ابوالحسن خان ایلچی، میرزا صالح شیرازی بودند.^{۱۳}

در ایران نخستین کسی که انجمن همانند فراماسونری فرنگستان برپا کرد، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله ارمنی جلفای اصفهانی بود با توجه به این سابقه باید گفت که برپا شدن فراموشخانه در ایران بایستی ۱۲۷۶ یا ۱۲۷۷ هجری قمری یعنی همزمان با

^{۱۱} فرشته نورایی. بررسی اندیشه‌های میرزا ملکمخان ناظم‌الدوله. تهران، حبیبی، ۱۳۵۲.

^{۱۲} اسماعیل رائین. فراموشخانه و فراماسونری در ایران. تهران.

^{۱۳} کتیرایی، محمد، از آغاز تا تشکیل لژ بیداری، ص ۴۷

سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بوده باشد. به هر حال با تلاش بدخواهان تلاش فراموشخانه و کسانی از دربار و کهنه پرستان شاه را نسبت به این سازمان بدبین کردند و به زودی برچیده شد. جریان از این قرار بود که میرزا جعفر مهندس برادر فراماسونری میرزا صالح شیرازی با لقب مشیرالدوله (مشیرالدوله اول) از جانب امیر کبیر مامور شد تا تحقیقات جامعی را در مورد وضعیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اروپا بدست آورد؛ این تحقیقات وقتی زمانی به ایران رسید که امیر کبیر خلع شده بود. در بین این گزارشات ارسالی به موضوع فراماسونری نیز پرداخته شده بود که ناصرالدین شاه در اواخر صدارت میرزا اقاخان نوری به فکر استفاده از این گزارشات افتاد و این اولین سند رسمی بود که یک مقام عالی رتبه ایران در مورد فراماسونری و تشکیلات آنها به شاه مملکت خود می-دهد. بعد از خواندن این تحقیقات ناصرالدین شاه تصمیم به انحلال این تشکیلات در ایران گرفت و نیز تحت همین گزارشات میرزا جعفرخان بود که شورای دولتی مرکب از شش وزارتخانه را تاسیس و خود مشیرالدوله به سمت ریاست آن منسوب شد.^{۱۴}

از انجمن اخوت نیز باید سخنی به میان آورد از آن رو که این انجمن را دنباله فراموشخانه ملکم خان در ایران بشمار می-آورند. اما لازم به ذکر است که لژ بیداری ایرانیان را که در تهران به طور رسمی با اجازه شرق اعظم فرانسه و شورای عالی ماسونی در شب سه شنبه نوزدهم ربیع الاول سال ۱۳۲۶ هجری قمری بنیان نهاده شد و نخستین کسی که در این لژ پذیرفته شد ادیب-الممالک بود. این لژ بدست کسانی مانند ویزیوز فرانسوی و دکتر مرل فرانسوی برپا شد و دبیرالممالک شیرازی و محمد علی ذکاءالملک فروغی و حاج سید نصرالله تقوی و میرزا صادق خان امیری (ادیب-الممالک) و سید حسن تقی زاده از گردانندگان آن بودند.^{۱۵}

لژ بیداری ایرانیان به اعضاء خود حقوق ماهانه پرداخت می-کرد، که مبلغ این حقوق برای همه یکسان نبود و به درخواست فرد و تایید لژ قابل تغییر بود. آنگونه که از اسناد برمی-آید جلسات لژ معمولاً یک یا دو روز در هفته برگزار می-شد و نیز این جلسات در تابستان یا حداقل برای مدتی هم تعطیلی داشت. اعضاء این لژ موظف بودند که در همه حال از قواعد و قوانین فراماسونری پیروی کنند. هر گونه تخطی از لژ واکنش لژ را به همراه داشت. میزان ارتباط سفارت فرانسه با فراماسونری ایران تا حدی است که مهمترین خصیصه فراماسونری آغازین ایران را باید یهودی-فرانسوی بودن آن دانست. بدهی است که شرایط اجتماعی سیاسی آن روز کشور ایران به گونه-ای بود که بسیاری از اعضاء این لژ توانسته بودند به پست های مهمی دست پیدا کنند. پس عضویت در این اجتماعات به نوعی مانند پلی بود برای دستیابی به پست و مقامات دولتی بود. بدون شک وجود این ویژگی یکی از عوامل استحکام موقعیت لژ فراماسونری و گرایش روشنفکران به آن در کشورهای پیرامون و از جمله کشور ما شد.^{۱۶}

^{۱۴} کمیته آموزش: بخش تحقیقات، ص ۳۹.

^{۱۵} کتیرایی، محمد، فراماسیونی در ایران (از آغاز تا تشکیل لژ بیداری)، ص ۱۰۱.

^{۱۶} شاه آبادی، تاریخ آغازین فراماسونری در ایران بر اساس اسناد منتشر نشده، ص ۲۷.

فراماسونری های ایران لژهای به ظاهر ناهمگون و دارای تبعیت لژهای مختلف جهان بودند، لیکن سر نخ اصلی و کارگردانی آن را با کمی کاوش در رفتار و ارتباط این لژها با هم در انگلستان معمار پنهان آن میبینیم. آنها در یک نکته با هم اشتراک داشتند و آن هم حفظ اسرار و حفاظت از اسناد و مدارک و چگونگی فعالیتهای سازمانهای خودشان است؛ که بخصوص در افشای اسامی و مشخصات افراد لژ بسیار محتاط و پابند بودند.

در عهد قاجار سرگرد اوزلی سفیر وقت انگلستان با دو هدف به ایران آمد ۱- دستوری بود که جانب جرج سوم پادشاه انگلستان داشت برای جمع-آوری اطلاعات جامعی از ایران ۲- تاسیس لژ فراماسونری در ایران به نام لژ اصفهان. همان طور که قبلاً اشاره شد اولین لژ در ایران توسط میرزا ملکم-خان ایجاد شد که بساط آن را بنا بر گفته-ای با هوشیاری و غیرت حاج ملاعلی کنی برپیده شد (اما در واقع باید گفت با تلاش دشمنان و بدخواهان ملکم خان ارمنی در دربار این مهم صورت گرفت). هرچند بعد از مرگ ناصرالدین شاه انجمن اخوت که ظاهراً فعالیت دارویشی داشت ولی در خفا تجمع و تشکلی فراماسونی بود ایجاد گردید. به دنبال این جریانات از آنجا که یهودیان مدارس را دسراسر جهان برپا کرده بودند به نام آژانس اسرائیلیان، این نوع مدارس نیز را در ایران، یهودیان فرانسه در تهران تاسیس کردند. هفت نفر از استادان این مدارس در زمره لژ بیداری ایرانیان بودند، به اضافه ادرشیرجی و محمد علی فروغی و تقی-زاده و بسیار دیگر.^{۱۷}

از سال ۱۳۲۴ هجری قمری بود که فراماسونری در ایران به دو شاخه اعتدالی و افراطی تقسیم شدند، اعتدالی را عباس قلی خان آدمیت اداره می-کرد و شاخه افراطی را ادرشیرجی. این دو شاخه در جریان مشروطه و حوادث بعد از تا سالها دست داشتند مورد اینکه ماسون-ها تا حد در انقلاب مشروطه ایران شکر داشتند و حتی برخی نظراتی مبنی بر قتل ناصرالدین شاه توسط آنها که در مقابل آنها سدی بود و قبلاً هم باعث تعطیلی لژ فراماسونری ملکم خان شده بود، نیز در میان است. اما حقیقت آن است که نمی-توان دخالت علنی و مخفی و مهم آنها را در کار مشروطه اغراق آمیز شمرد. در اینکه این گروه در هیجان و غلیان افکار جامعه، بخصوص در سالهای آخر حکومت محمد علی شاه موثر بودند تردیدی نیست. ولی تعیین حدود و عملیات آنها مستلزم سنجش و دقت بیشتر می-باشد. برای نمونه دو انجمن فراماسونری که مشروطه خواهان در آن عضو بودند یکی انجمن اخوت بود و دیگری انجمن مخفی، که انجمن اخیر به وسیله ملک-المتکلمین و سیدجمال-الدین واعظ که هر دو اعضاء برجسته لژ فراماسونری ایران بودند رهبری و اداره می-شد. پس از پیروزی مشروطه طلبان و شکست مستبدین، فراماسونری های ایران یکه تاز میدان سیاست و اجتماع ایران شدند. این روند به گونه ای بود که طبق گزارش سید حسن تقی-زاده حتی در نوشتن قانون اساسی ایران هم به نوعی تحت تاثیر لژ فراماسونری بودند.^{۱۸}

در ادامه لازم به ذکر است که در کودتای اسفند ۱۲۹۹ و در نهایت در انتقال قدرت که توسط محمد علی فروغی فراماسونری معروف صورت گرفت می-توان رد پای ماسون ها را در ایران دنبال کرد. در زمان پهلوی دوم حدود سالهای ۱۳۲۷- ۱۳۲۸

^{۱۷} حقانی، موسی، سخنرانی: در اولین نشست آموزشی جمعیت دفاع از ملت فلسطین ص ۱۲۴.

^{۱۸} رائین، اسماعیل، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، تهران: موسسه تحقیق رامین، ص ۲۵۴

شمسی قریب ۵۰ - ۶۰ لژ در ایران فعالیت داشتند و دارای ۵ هزار عضو بودند اما وقوع انقلاب اسلامی باعث تعطیل شدن این لژها شد. اما تفکرات آنها را می-توان در قالب لیبرالیسم، پلورالیسم، نسبی-گرایی مشاهده نمود.^{۱۹}

نتیجه گیری

آنچه واضح و روشن است این نکته می-باشد که پدیده فراماسونری حاصل جهان غرب است. مشخصاً این جریان با اهداف خاص و برنامه ریزی شده ایجاد شده و اینکه آن را به گذشته دور بدانیم مسلماً در اشتباه خواهیم بود و می-توان گفت تمامی پیشینه سازی ها برای این جریان تنها برای مشروعیت بخشیدن و اصالت دادن به آن می باشد. البته نباید منکر این شد که قبل از ایجاد لژها فعالیتهایی در جریان بوده اما نه به این شکل و صورت. به هر حال می-توان نتیجه گرفت اصل و خمیر مایه فکری این جمعیت از اندیشه و مرام یهودیان سرچشمه گرفته و در گذر زمان غرب و اندیشه بورژوازی آن فعالیتهای پراکنده موجود از قبل را ساخته و پرداخته کرده و خواسته کلی این جریان را آزادی از بندهای فئودالیتة سیاسی و مذهبی کلیسای قرار داد. بنابراین نگاه بشر را از آسمان گرفته به زمین معطوف کرد و از این رهگذر شعارهای زیبا و سودمندی را برای همه انسانها سر داده و مردم زیر سلطه و ستم کشیده جهان را به همنوایی با شعار خویش می خواند.

منابع

۱. حائری، عبدالهادی، تاریخ جنبشها و تکاپوهای فراماسونری در کشورهای اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۲. حقانی، موسی، (سخنرانی: در اولین نشست آموزشی جمعیت دفاع از ملت فلسطین) ۱۳۷۸.
۳. رائین، اسماعیل، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، تهران: موسسه تحقیق رامین، ۱۳۷۸.
۴. سعیدی، جعفر، مبانی فراماسونری، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
۵. شاه آبادی، حمیدرضا، تاریخ آغازین فراماسونری در ایران بر اساس اسناد منتشر نشده، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۶. صادق نیا، ابراهیم، فراماسیونی و جمعیت های سری در ایران (نگاهی به خیانت های فراماسون ها در تاریخ ایران)، تهران: هیرمند، ۱۳۷۷.
۷. طلوعی، محمد، راز بزرگ (فراماسون ها و سلطنت پهلوی)، تهران: نشر علم، ۱۳۸۰.
۸. فرشته نورایی. بررسی اندیشه های میرزا ملکم خان ناظم الدوله. تهران، حبیبی، ۱۳۵۲.
۹. فریدون آدمیت. اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار. تهران، خوارزمی، ۱۳۵۱.
۱۰. کمیته آموزش: بخش تحقیقات، مقدمه ای بر انقلاب فرهنگی اسلامی، انجمن های اسلامی و سازمان دانشجویان مسلمان در دانشگاهها و مدارس عالی کشور، تهران: ۱۳۷۸.
۱۱. کتیرایی، محمد، فراماسیونی در ایران (از آغاز تا تشکیل لژ بیداری)، تهران: اقبال، ۱۳۴۷.

^{۱۹} حقانی، موسی، سخنرانی: در اولین نشست آموزشی جمعیت دفاع از ملت فلسطین، صفحه ۱۰۵.